

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۷۶

سودمندی گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی:

با نگاهی به متون تولید شده رسانه‌ای با محوریت بحران

اقتصادی و اجتماعی اخیر اروپا و آمریکا

حمزه نوذری^۱

غلامرضا جمشیدیها^۲

اسماعیل غلامیپور^۳

یوسف ایرانی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۸

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۶

چکیده

فرکلاف ابتدا از موضعی زبان‌شناختی به متون انضمامی می‌پردازد و سپس گفتمان‌هایی را که متن به آنها متکی است شناسایی کرده و نحوه وابستگی آنها به نظریه‌های کلان اجتماعی را توضیح می‌دهد. هدف فرکلاف آگاهی زبانی انتقادی به مصرف‌کنندگان متون است. هر متنی خوانندگان را به سوی فهم خاصی از واقعیت رهنمون می‌سازد. شناسایی انتقادی گفتمان‌های مستتر در متن و آگاهی بخشی به مخاطبین در هنگام قرائت متن دل‌مشغولی اصلی فرکلاف است. در این مقاله با تاسی از روش فرکلاف نشان داده‌ایم که متون رسانه‌ای ایران که در حال بازنمایی واقعیت بحران اقتصادی اجتماعی اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی هستند متأثر از چه گفتمان‌ها و نظریه‌های کلانی هستند. این مقاله بیشتر هدف روش‌شناختی دارد و برای این کار تحلیل مفصل و دقیق یک متن را سرلوحه کار قرار دادیم.

کلمات کلیدی: گفتمان، رسانه، متن، بحران اقتصادی، فرکلاف

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، hnozari@ut.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

^۴ دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

مقدمه

متن را نمی‌توان در خلأ فهم یا تحلیل کرد. هر متنی را باید در رابطه با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید. در تحلیل گفتمان انتقادی، موضوع اصلی تحقیق پرکتیس‌های گفتمانی و زبانی هستند که هم‌بازنمایی‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را برمی‌سازند و هم در پیشبرد منافع گروه‌های اجتماعی خاص، نقش ایفا می‌کنند. فرکلاف در این زمینه معتقد است تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که می‌کوشد به نحوی نظام‌مند به تحقیق درباره «مناسبات غالباً مبهم علیت و تعیین‌کنندگی میان: الف) پرکتیس‌های گفتمانی، رخدادهای و متون و ب) ساختارها، روابط و فرایندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی بپردازد» (فرکلاف، ۱۹۹۳: ۱۳۵). به عبارتی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال این است که نشان دهد رخدادهای و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند. از این منظر هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش پرکتیس‌های گفتمانی، متون و رخدادهای ارتباطی را در حفظ و بقا و یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی متن را به صورت مبسوط و همه‌جانبه تحلیل می‌کند تا با نحوه عملکرد زبانی فرایندهای گفتمانی در متون مورد بررسی آشنا شود و معتقد است میان متن، پرکتیس‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ای پیچیده برقرار است که برای شناخت آن باید از برداشت ساده‌انگارانه و سطحی میان متن و جامعه فراتر رفت (فرکلاف، ۱۹۹۲ b). بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد به نحوی نظام‌مند کاربرد زبان و متن را در رابطه با پرکتیس اجتماعی گسترده‌تری تحلیل کند و غالباً به دنبال برملا کردن دانش بدیهی انگاشته شده و طبیعی شده متن است. فرکلاف و شولیاراکی (۱۹۹۹) در زمینه اهداف تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند: «علم (از منظر تحلیل گفتمان) وظیفه دارد تا انواع دانشی را که عموم مردم به‌طور معمول تولید نمی‌کنند یا در زندگی رزمره در دسترسشان نیست در اختیار بگذارد» (شولیاراکی و فرکلاف، ۱۹۹۹: ۳). از این منظر، دانش تولیدشده حکم کمک را برای مردم در تعاملاتشان دارد و این کار از طریق رابطه متن با پرکتیس‌های گفتمانی و ساختار اجتماعی انجام می‌شود. هدف اصلی این مقاله این است که با محدود شدن به تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و تمرکز بر یک متن تولید شده با محوریت بحران اقتصادی اجتماعی اخیر اروپا و آمریکا، تا آنجا که ممکن است دید روشن‌تری از این روش در فهم متون ارائه دهد.

به دنبال بحران اقتصادی- اجتماعی اخیر اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۱ و ظهور و بروز اعتراض‌های مردمی، نظیر جنبش وال استریت در آمریکا و سایر اعتراض‌ها در انگلیس، یونان و اسپانیا متون بسیار متنوعی از چرایی و چگونگی و پیامدهای این بحران تولید و مصرف شده است و هرکدام از منظر و دیدگاهی بعضاً متضاد به بازنمایی واقعیت پرداخته‌اند. در این میان روزنامه‌های داخلی ایران از ابتدای شکل‌گیری بحران اخیر، متون زیادی تولید کرده‌اند. در یک نگاه کلی متون منتشر شده در رسانه‌های ایران با موضوع بحران اخیر را به چند دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: برخی متون علل شکل‌گیری بحران اخیر را سیاسی- اقتصادی (دخالت دولت در بازار، بدهی دولت‌ها، در پیش گرفتن سیاست انبساط مالی) و راه‌حل را اقتصادی (استحکام بودجه و کاستن از بودجه عمومی) می‌دانند. نمونه بارز این متون را می‌توان در روزنامه دنیای اقتصاد دنبال کرد. دسته دیگری از متون علل شکل‌گیری بحران را اقتصادی و راه‌حل را توجه به مسائل اجتماعی (ناابرابری، فقر، تبعیض و...) می‌دانند. و دسته دیگر هم علل شکل‌گیری را اجتماعی و هم راه‌حل را در موضوعات اجتماعی دنبال می‌کنند. روزنامه شرق چنین متونی را انتخاب کرده است به عنوان نمونه دو مقاله از اسلاوی ژبژیک با مضامین فوق منتشر کرده است. برخی متون نیز -که به عنوان نمونه در روزنامه قدس وجود دارد- علل شکل‌گیری بحران را نظامی‌گری اروپا و آمریکا (خصوصاً حمله به عراق و افغانستان) تفسیر می‌کنند و راه‌حل را نیز در همین راستا می‌دانند.^۱

این مقاله تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه هر متنی متأثر از گفتمان‌های موجود و ساختار اجتماعی مولد این گفتمان‌ها، برداشتی متفاوت از بحران اخیر ارائه می‌کند و نشان خواهیم داد که نمی‌توانیم در تولید متن چیزی درباره بحران اخیر بگوئیم که معنای خاصی را بازنمایی نکند و هر متنی که بحران اخیر را مورد بررسی قرار دهد صرفاً به توصیف آن نمی‌پردازد بلکه آن را می‌سازد. به عبارتی در این مقاله، قصد داریم به شیوه فرکلاف نشان دهیم که گفتمان‌ها، نیروها و نظریه‌های اجتماعی موجود چگونه در بازتاب بحران اقتصادی و اجتماعی حال حاضر نقش دارند. بر این اساس قصد نداریم تحلیلی از بحران اقتصادی و

^۱ نگاه کنید به سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۴۸۴، ۲۴۸۱ روزنامه قدس شماره ۶۷۸۲ صفحه آخر. روزنامه شرق شماره ۱۳۲۷، ۱۳۶۸ صفحه اندیشه.

اجتماعی اخیر و علل و پیامدهای اعتراض‌های مردمی در قبال آن را ارائه کنیم، بلکه هدف این است که با تحلیل دقیق یک متن که با محوریت بحران اخیر تولید شده نشان دهیم که متن معرف چه گفتمان یا گفتمان‌هایی است، ویژگی‌های زبانی آن کدام است و این متن چه رابطه‌ای میان بحران اخیر و ابعاد اجتماعی-اقتصادی و سیاسی برقرار می‌سازد.

نکته‌ای که در خصوص این مقاله باید مدنظر قرار گیرد این است که این مقاله بیشتر اهمیت روشی دارد و تلاش می‌کند چارچوب ارائه شده توسط فرکلاف را در رخدادی ارتباطی تطبیق دهد.

چارچوب نظری تحقیق

بنیاد تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در زبان‌شناسی انتقادی، جستجو کرد. «احتمالاً تحت تأثیر تحولات فرانسه در دهه هفتاد که به واسطه فوکو، پشو و دیگران منجر به شکل‌گیری نگرش‌های جدید به زبان و گفتمان شد و همچنین به علت ناکارآمدی‌های نگرش‌های سنتی به تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، افراد فوق پایه‌های نگرش انتقادی به زبان را بنا نهادند. این افراد سه اصل مهم را مبنای کار خود قرار دادند: یک، زبانی که به کار می‌بریم مجسم‌کننده دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت است. دو، تنوع در گونه‌های گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدایی‌ناپذیرند، از این رو تنوع زبانی منعکس‌کننده و مبین تفاوت‌های اجتماعی ساختمانندی است که این تنوع زبانی را ایجاد می‌کند و سه، به کارگیری زبان حاصل و بازتاب فرایند و سازمان اجتماعی نیست بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱). نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان است که در مقایسه با دیگر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی «منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرطرفدارترین نظریه را تدوین کرده است» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶۰). در نگاه او تحلیل گفتمان روشی است «برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته شده و منبعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد» (فرکلاف، ۲۰۰۲a: ۷۰). فرکلاف معتقد است «کاربرد زبان معمولاً در عین حالی که سازنده هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام دانش و باورهاست، توسط آنها نیز ساخته می‌شود» (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶).

چارچوب این پژوهش براساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استوار است. فرکلاف «تعریف فوکو از گفتمان را با چارچوب نظام‌مندی از تحلیل مبتنی بر تحلیل زبان‌شناختی متن

تلفیق کرده است» (میلز، ۱۳۸۸: ۱۸۷). فرکلاف از مفهوم گفتمان به سه معنای متفاوت استفاده می‌کند: «گفتمان در انتزاعی‌ترین شکل خود به کاربرد زبان به مثابه پرکتیس اجتماعی^۱ اشاره دارد. در معنای دوم، گفتمان نوعی کاربرد زبان در یک حوزه خاص است مانند گفتمان سیاسی یا علمی و در معنای سوم که عموماً در موارد انضمامی به کار برده می‌شود، گفتمان اسمی قابل شمارش است (یک گفتمان، آن گفتمان، گفتمان‌ها) که به روش سخن گفتنی اطلاق می‌شود که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص معنا می‌بخشد، در این معنا، گفتمان قابل تفکیک از دیگر گفتمان‌ها است» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۸). به طور کلی «تمامی رویکردهای گفتمانی، گفتمان را تثبیت معنا در یک قلمرو مشخص تعریف کرده‌اند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

چارچوب نظری فرکلاف حاوی مفاهیم متنوعی است که به فراخور هدف تحقیق می‌توان از آنها استفاده کرد در این میان مفاهیم (رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی) مفاهیم کلیدی نظریه وی هستند که در این پژوهش به عنوان چارچوب نظری استفاده شده‌است.

از منظر فرکلاف در هر تحلیلی دو بعد گفتمان از اهمیت محوری برخوردار است: **رخداد**

ارتباطی و نظم گفتمانی.

رخداد ارتباطی^۲: نمونه‌ای از کاربرد زبان از قبیل، مقاله، روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی می‌باشد. تحقیق از طریق تحلیل نمونه‌های مشخص کاربرد زبانی، یا به تعبیر فرکلاف، تحلیل رخداد ارتباطی در رابطه با نظم گفتمانی انجام می‌گیرد. «هر رخداد ارتباطی به منزله گونه‌ای از پرکتیس اجتماعی برای باز تولید یا به چالش کشیدن نظم گفتمانی عمل می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

نظم گفتمانی ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی^۳ به کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی است (همان: ۱۱۹). بر این اساس نظم گفتمانی^۴ از منظر فرکلاف مجموع گفتمان‌هایی است که در یک قلمرو مشخص اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. مفهوم نظم گفتمانی فرکلاف می‌تواند به عنوان ستون چارچوب تحلیل عمل کند. یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹) در خصوص

^۱ Discourse practice

^۲ The communicative event

^۳ Discourse types

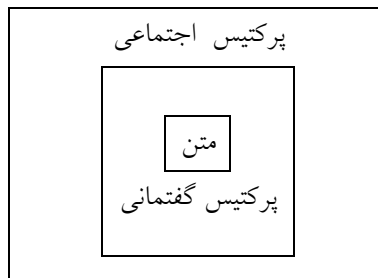
^۴ Order of discourse

نظم گفتمانی فرکلاف می‌نویسند: «بدین ترتیب می‌توان نظم گفتمانی را مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلفی دانست که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند، قلمرویی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پرکردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۰). علاوه بر این طراحی تحقیق در چارچوب نظم گفتمان این امکان را فراهم می‌آورد که توزیع گفتمان‌ها در قلمرو مورد بررسی را نیز تحلیل کنیم. از نظر فرکلاف زمانی که در یک تحقیق بر نظم گفتمانی واحد متمرکز می‌شویم، گفتمان‌های متفاوت و رقیب درون یک قلمرو واحد را می‌توان تحلیل کرد و می‌توان بررسی کرد که کجا کدام گفتمان حاکم است، کجا کشمکشی میان گفتمان‌های مختلف وجود دارد؟ بنابراین محققانی که نظم گفتمانی را چارچوب تحلیلی خود قرار می‌دهند، برخورد میان گفتمان‌های موجود در آن نظم گفتمانی به کانون تحلیل وی بدل خواهد شد. این امر «یک مزیت محسوب می‌شود چون در این برخورد پیامدهای اجتماعی آشکارتر می‌شوند. هنگامی که در قلمرو واحدی دو یا چند گفتمان برداشت‌های متفاوتی از جهان ارائه می‌کنند، پرسشگر می‌تواند این سؤال را مطرح کند که اگر برداشتی به جای دیگری برگزیده شود، چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

میان متنی و میان گفتمانی. یکی از مفاهیم عمده نظریه گفتمان فرکلاف، تحلیل میان متنی^۱ است. از نظر فرکلاف تحلیل میان متنی ما را متوجه این نکته می‌سازد که «متن‌ها وابسته به تاریخ و جامعه‌اند. بدین معنی که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل میان متنی را در نظم‌های گفتمانی ممکن می‌سازد. بنابراین تحلیل میان متنی بر شرح و توصیف‌هایی درباره انواع مختلف گفتمان دلالت دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲). به طور کلی، فرکلاف معتقد است در جهان واقع، متن‌ها کم یا بیش عموماً از ادغام انواع گفتمان و شرح و توصیف آنها ساخته شده‌اند. بنابراین یک تحلیل میان متنی، همچنین حلقه واسط زبان و بافت اجتماعی است و خلأ موجود میان متن‌ها و بافت‌ها را به شایستگی پر می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲) از سویی فرکلاف در تحلیل میان متنی به دنبال شنیده شدن صداها و صداهای مختلف در متن است.

فرکلاف این مفاهیم را در مدل سه بعدی تحلیل قرار داده است. از نظر وی تحلیل گفتمان رخداد ارتباطی باید هر سه بعد را تحت پوشش قرار دهد.

^۱ Intertextuality



بدین ترتیب تحلیل باید بر موارد زیر استوار باشد:

سطح توصیف: هر رخداد ارتباطی یک متن است (تحلیل ساختار زبانی، قواعد گرامری و...) و **سطح تفسیر:** هر رخداد ارتباطی یک پرکتیس گفتمانی است (تحلیل گفتمان‌هایی که در تولید و مصرف متن وجود دارند).

سطح تبیین: هر رخداد ارتباطی دارای پرکتیس اجتماعی است (ملاحظات مربوط به اینکه گفتمان‌های موجود در متن از چه نظریه‌های اجتماعی و بافت اجتماعی به وجود آمده‌اند و نظم گفتمانی مستقر را بازتولید یا به عکس ساختاربندی مجدد و متضادی از آن انجام می‌دهند).

روش‌شناسی

فرایند انتخاب متن: فرکلاف پیرو تحلیل زبانی نظام‌مند است و همواره می‌توان با استفاده از جعبه‌ابزار وی راهی برای شروع تحلیل پیدا کرد. همچنین با استفاده از این ابزارها می‌توان ویژگی‌هایی را در متن پیدا کرد که با قرائت‌های عادی نادیده می‌مانند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۷). در روش فرکلاف به علت توجه به جزئیات متن، وقت تحقیق برای تحلیل متونی انگشت‌شمار صرف می‌شود. در نتیجه محققى که از روش فرکلاف استفاده می‌کند باید «به شکل استراتژیکی متن‌های خود را برای تحلیل انتخاب کند. برای اینکه بتوان انتخاب استراتژیک کرد، حتماً باید ابتدا گفتمان‌ها و نظم‌های گفتمانی را از طریق بررسی اولیه متون مربوط، شناسایی کرد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

همان‌گونه که بیان کردیم این مقاله بر آن است که نظم گفتمان بحران اقتصادی و اجتماعی را که در حال حاضر بخش اعظمی از کشورهای اروپایی و آمریکا با آن مواجه شده‌اند در نشریات ایرانی مورد تحلیل قرار دهد، لازم است متنی انتخاب شود که گفتمان‌های موجود - برای تثبیت معنای مدنظر خود - با هم در تخاصم باشند، به‌نحوی که پیامدهای اجتماعی هر کدام مورد

توجه متن قرار گرفته باشد. به عبارتی صداهای مختلف و متضادی در یک متن وجود داشته باشد تا بتوان براساس آنها بافت اجتماعی و زمینه اجتماعی هر گفتمان را تحلیل کرد. با توجه به ملاحظات فوق، رخداد ارتباطی انتخاب شده مقاله‌ای است که از روزنامه شرق انتخاب شده است در این مقاله:

- گفتمان‌های مختلف در باب تحلیل بحران اقتصادی و اجتماعی در آن به چشم می‌خورد
 - حد و مرزهای هر گفتمان تحدید شده است
 - جدال آشکار میان بازنامه‌های مختلف در قلمرو تحقیق وجود دارد
 - پیامدهای اجتماعی هر گفتمان تا حدی بیان شده است
 - در متن، گفتمان‌های متخصص مرزهایی بین حقیقت و خطا ترسیم کرده‌اند و گونه‌های خاصی از کنش‌ها را مربوط و معنادار و سایرین را نامربوط و خارج از موضوع قرار داده‌اند.
- برای دستیابی به متن مدنظر مقالات و گزارش‌های تحلیلی روزنامه‌های گوناگون را از زمان آغاز این بحران، مورد بررسی قرار دادیم که در نهایت مقاله روزنامه شرق به جهت دارا بودن شرایط فوق انتخاب شد. بر این اساس، رخداد ارتباطی این پژوهش، مقاله‌ای است در قلمرو عنوان بحران اقتصادی دنیای غرب با نام « نگاه به ایده‌هایی که بحران را به اقتصاد جهانی تزریق کرد شاخص‌های افراطی و اقتصاد قمارخانه‌ای». لازم است برای تحلیل ابتدا کل متن آورده شود: «جهان هنوز درگیر بحران اقتصادی است که در مقیاسی بی‌سابقه بروز کرده است. گفتگو درباره وضعیت اقتصادی بسیار زود هنگام است. درواقع تعداد بیکاران همچنان رو به افزایش است، نه مصرف خانوارها و نه سرمایه‌گذاری خصوصی به حدی استحکام نیافته که بتواند اقتصاد را از کساد بیرون بکشد. اقتصاددانان در این باره توافق دارند که حذف محرک‌های اقتصادی به احتمال زیاد اقتصاد جهان را به بحران عمیق‌تری فرو خواهد برد. ولی پیامدهای حاصل از فعالیت‌های سوداگرانه بازارهای جهانی سرمایه که به‌درستی تنظیم و کنترل نشده‌اند و فشار سنگین بر بودجه دولت‌ها، مانع بزرگی بر سر اعمال سیاست‌های انبساطی است. جامعه جهانی تا حدودی موفق شده که جلوی فروپاشی بازار سرمایه را بگیرد ولی نتوانسته درسی را که از بحران فراگرفته بود به کار بندد. پارادایم اقتصادی مسلط در ۳۰ سال گذشته که به کاهش درآمد کارگران، تشدید نابرابری، عدم توازن مالی و رشد بیش از حد بازار سرمایه منجر شده است با دنیای واقعی فاصله زیادی دارد. در حال حاضر، بورس‌های جهان با تکیه بر کمک‌های دولتی توانسته‌اند زیان‌های هنگفت را تحمل کرده و دوباره رونق گرفته‌اند ولی بازار مسکن

همچنان در کسادى به سر مى‌برد. از آنجا که بورس‌ها محل تجمع دارائى ثروتمندان و بازار مسکن محل سرمایه‌گذارى مردم معمولى است، نابرابرى در توزیع درآمد، حتى در دوران بحران نیز در اکثر کشورهای جهان شدت یافته است. حباب‌های مخرب در بازار سرمایه، پایه‌های اصلی نظام اقتصادى مسلطى هستند که رشد بی‌سابقه سلاح کشتار جمعى بازار سرمایه و قلعه عظیمى از پول مجازى را سبب شده‌اند. تزریق پول به سیستم اقتصادى بدون اینکه تغییرى اساسى ایجاد شود به بی‌ثباتى منجر شده و تداوم این شیوه به شکل‌گیرى حباب‌های بزرگ‌تر و بی‌ثباتى بیشتر خواهد انجامید. کمک‌های اعطایى از سوى دولت که با تحمل کسرى بودجه صورت گرفته، تاکنون طرح این سؤال را به تعویق انداخته است که چه کسى باید هزینه بحران را پرداخت کند. دولت‌ها تحت فشار هستند که در میان مدت بدهى خود را کاهش دهند. سرمایه‌گذارى‌های عمرانى، اشتغال در فعالیتهای دولتى و در کل دولت رفاه به نحو فزاینده‌ای هدف اصلی طرح استحکام بودجه قرار گرفته است. هزینه افراطی‌گرى‌های بازار سرمایه را اکنون باید مردم با تحمل کاهش بودجه بهداشت و درمان و تنزل درآمد دوران بانثستگى بپردازند. این استراتژى غیر منصفانه است و خطر از میان رفتن انسجام اجتماعى را به دنبال دارد. به علاوه کاهش بودجه در شرایط تداوم کسرى، به تنزل بیشتر قدرت خرید مردم مى‌انجامد و کسادى بلند مدت را در پی خواهد داشت. با اعمال سیاست‌های مالی انقباضى، نسبت کسرى بودجه و بدهى به تولید ناخالص داخلى افزایش خواهد یافت، زیرا کاهش هزینه‌های دولت از طریق کاهش درآمدهای مالیاتى در دوران فقدان رشد اقتصادى خنثى مى‌شود. در وضعیت کنونى در عکس العمل به بحران اقتصادى تنها دو راه وجود دارد یا تداوم اقتصاد رقابتى یا ایجاد فضای همکارى و تعاون. راهکار مبتنى بر رقابت به معنای آن است که کشورها و شرکت‌ها تلاش ورزند تا با ایجاد جنگ قیمت‌ها، سهم خود را از بازارهای صادراتى افزایش دهند. پیامد چنین روشى کاهش شدید مزد، پرداخت یارانه به صادرات، اصلاحات مالیاتى برای تقویت بخش صادراتى، کاهش مالیات بردرآمد و افزایش مالیات بر مصرف و پایین آوردن ارزش پول ملی در مقابل سایر ارزهاست. درحالى که مازاد تجارى حاصل از صادرات بیشتر برای یک کشور مزیت محسوب مى‌شود، قطعاً تمامی کشورهای جهان نمى‌توانند مازاد تجارى داشته باشند. در واقع تجارت جهانی با جمع صفر است. مازاد تجارى یک کشور معادل کسرى تجارى کشورى دیگر است. در عمل این شرکت‌ها هستند که با هم رقابت مى‌کنند نه کشورها. مسلماً نمى‌توان

انتظار داشت شرکت‌هایی که بهره‌وری بالایی دارند به‌طور مصنوعی هزینه‌های تولید را بالا ببرند یا تولید کمتری داشته باشند، بلکه سطح بهره‌وری برای همه کشورها باید به نحوی بالا رود که رشد واردات، افزایش تقاضای کل و توازن اقتصادی جهان ممکن شود. به این معنا که شهروندان و دولت‌ها و کشورهایی که دارای مازاد تجاری هستند باید مصرف بیشتری داشته باشند. به‌رغم تمامی شعارها در مورد مزیت تجارت آزاد و ضرورت توقف سیاست‌های حمایت از تولید داخلی، روش مبتنی بر رقابت، سریع‌ترین راه برای درهم شکستن نظام اقتصادی مبتنی بر رقابت، سریع‌ترین راه برای درهم شکستن نظام اقتصادی مبتنی بر تجارت آزاد است. کشورهایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند سطح رفاه مردم به سرعت تنزل پیدا کند، جزء اعمال سیاست‌های حمایت از تولید داخلی و مقابله با کشورهایی که می‌خواهند بحران خود را به دیگر کشورها صادر کنند، راه دیگری ندارند. در مقابل راهکار مبتنی بر همکاری شامل اقداماتی در جهت افزایش تقاضای نهایی، معکوس کردن روند نزولی دسمت‌دها و گسترش چتر حمایتی تأمین اجتماعی و ایجاد توازن در اقتصاد جهانی است. اعمال مقررات در بازار سرمایه، کنترل ماهیت سوداگرانه این بازارها و افزایش ظرفیت دریافت مالیات از سرمایه و دارایی اجزای مهم این رویکرد هستند. در این رویکرد کار شایسته و عدالت اجتماعی در مرکز استراتژی رونق اقتصادی قرار دارد. انتخاب میان استراتژی مبتنی بر همکاری (استراتژی بلندمدت و پایدار با تأکید بر افزایش مزد و درآمد) و رویکرد رقابتی (شرکت در مسابقه حرکت به سوی قهقرا) یک انتخاب سیاسی است. آنها که از جهانی شدن نئولیبرالی و گسترش عملکرد افسار گسیخته بازارهای سرمایه سود می‌برند از پذیرش مسئولیت بحران در اقتصاد جهانی سرباز می‌زنند و در مقابل، هرگونه تلاش در جهت حمایت از مردم در مقابل اقتصاد قمارخانه‌ای مقاومت می‌کنند. آنها از حمایت ارتشی از متفکران و پژوهشگران مستقل برخوردارند. اکثر مقالات منتشر شده از سوی کارشناسان مستقل در واقع به صورت زیرکانه‌ای از منافع گروه‌های قدرتمند و ذی‌نفوذ حمایت می‌کند. تأمین مالی ناکافی و حساب‌شده دانشگاه‌های دولتی در کشورهای صنعتی، تولید دانش را به نحو فزاینده‌ای خصوصی کرده و در خدمت منافع گروه‌های خاصی قرار داده است. این کارشناسان همچنان به نوشتن نسخه‌هایی ادامه می‌دهند که بیمار را کشته و دکتر را ثروتمند کرده است. نسخه‌هایی مانند ایجاد انعطاف پذیری در بازار کار، کاهش مالیات‌ها، کاستن از هزینه دولت، آزاد سازی بازار سرمایه و اعمال حداقل مقررات برای بازار سرمایه هنوز هم در دستور کار این گروه قرار دارد. گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است. رونق ناشی از فعالیت‌های بازار

سرمایه و شرکت‌های بزرگ فراملیتی، سرانجام به بحرانی منجر می‌شود که مردم زحمتکش با تحمل بیکاری بیشتر و مزد کمتر، کاهش هزینه‌های عمومی و افزایش مالیات بر مصرف باید هزینه آن را بپردازند... در این راستا بحران اقتصادی خود فرصتی برای بازنگری دوباره به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی است. نظام کهن با شکست روبرو شده و اکنون زمان مناسبی برای تفکری فراتر از کسب و کار همیشگی است. در عکس‌العمل نسبت به بحران اقتصاد جهانی، اعمال سیاست‌هایی ضروری است که به تحقق اهدافی چون اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، گسترش خدمات عمومی با کیفیت، امنیت شغلی و سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت برای فعالیت‌های اقتصادی پایدار و حامی محیط زیست اولویت دهد. دستیابی به این اهداف بدون مالیات تصاعدی بر درآمد، مالیات بر معاملات در بازارهای سرمایه و اعمال مقررات شدید کنترل‌کننده در بازارهای مالی، نظام تجاری توسعه‌گرا، سیاست‌هایی صنعتی سبز، گسترش پوشش مذاکرات دسته جمعی و اجرای دقیق قانون کار و نظام تأمین اجتماعی امکان‌پذیر نیست. برای چنین تحولاتی اندیشه‌های جدید، چشم‌اندازهای امیدبخش و عزم سیاسی لازم است. قدم اول برای ساختن آینده‌ای عادلانه، شناخت علل بروز بحران است. گام بعدی، طرح اندیشه‌های نوین و غلبه بر دیدگاه اقتصادی-سیاسی ارتدوکس است.» (روزنامه شرق، چهارشنبه ۶ مهر سال نهم شماره ۱۳۵۴)

شیوه تحلیل

در چارچوب نظری اشاره کردیم که تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. ما در این پژوهش با توجه به سؤالات تحقیق و به تناسب نیازمان از سطح تفسیر و تبیین بهره بیشتری برده‌ایم. در هر مرحله ما با تحلیل سر و کار داریم اما ماهیت آن در هر مرحله متفاوت است « تحلیل در مرحله اول، به برجسته‌دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند و متن را به مثابه یک شی در نظر می‌گیرد و در مرحله دوم، تحلیل گفتمان به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعامل بین آنها می‌پردازد. مرحله تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند» (آقا گل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶). به طور کلی، در چارچوب روش‌شناسی فرکلاف می‌توان از ابزارهای گوناگونی برای تحلیل استفاده کرد. ما در این مقاله در سطح توصیف (مجموع ویژگی‌های صوری متن) از:

ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی واژگان و دستور جملات، در سطح تفسیر از نظم گفتمانی و میان‌متنی (میان‌گفتمانی) و در سطح تبیین از فرایندهای نهادی و اجتماعی استفاده کرده‌ایم. در اینجا به جهت حجیم شدن مقاله و بخش روش از تشریح مستقیم عناصری از قبیل ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی واژگان و دستور، فرایندهای نهادی و اجتماعی پرهیز می‌کنیم و در تحلیل داده‌ها به آن می‌پردازیم.

نتایج

مرحله توصیف (تحلیل ساختار زبانی - تحلیل سطح متن)

الف) کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند؟

آن جنبه از ارزش تجربی که بیش از همه در آثار فرکلاف مورد توجه واقع شده این است که چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند در واژگان آنها رمزگذاری می‌شود. روابط معنایی از جمله هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی از جمله ارزش‌های تجربی واژگان هستند. انعطاف بازار کار در مقابل امنیت شغلی یا اشتغال کامل. مؤلف انعطاف بازار کار را که به معنای ناامنی و عدم اشتغال کامل است در گفتمان نئولیبرال^۱ و امنیت شغلی و اشتغال کامل را که ناسازگاری معنایی با واژه انعطاف بازار کار دارد در گفتمان ضد آن قرار داده است. رقابت در مقابل با تعاون و همکاری، رونق بازار سرمایه در مقابل تحمل بیکاری و مزد کمتر از دیگر تضادهای معنایی هستند که در این متن به چشم می‌خورد و بار ایدئولوژیک دارند. عبارت‌بندی افراطی نوع دیگری از ارزش تجربی در سطح توصیف متن می‌باشد که در این متن وجود دارد. عبارت‌هایی مانند: رشد بی‌سابقه سلاح کشتارهای جمعی بازار سرمایه، قلعه عظیمی از پول مجازی، نسخه‌هایی که بیمار را کشته و دکتر را ثروتمند کرده که نویسنده چنین عبارت‌بندی افراطی‌ای را در گفتمان نئولیبرال جای داده، کانون مبارزه ایدئولوژیک نویسنده با این گفتمان است.

فرکلاف معتقد است تفاوت میان انواع گفتمان به لحاظ ارزش‌های بیانی کلمات با دیگر کلمات به لحاظ ایدئولوژیک معنادار است. گوینده به بیان ارزش‌های خود از طریق طرح‌های طبقه‌بندی می‌پردازد که تا حدودی نظام‌های ارزشیابی به حساب می‌آیند و همچنین طرح‌های به

^۱ برای آشنایی بیشتر با گفتمان نئولیبرال رجوع کنید به: هاروی ۱۳۸۶، بوردیو ۱۳۸۷

لحاظ ایدئولوژیک متضادی وجود دارند که ارزش‌های متفاوت را در انواع گفتمان‌های مختلف متجسم می‌سازند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۲). در گفتمان نئولیبرال، سیاست انقباضی، حجیم شدن بازار سرمایه و پول مجازی، ضدیت با دولت رفاه، کاهش هزینه‌های عمومی، انعطاف بازار کار، رقابت، آزاد سازی بازار سرمایه و اعمال حداقل مقررات برای بازار سرمایه، عناصر منفی در طرح طبقه‌بندی مرتبط با مقابله با بحران اقتصادی و اجتماعی تلقی شده است، و نویسنده با بیان این ارزش‌های بیانی منفی سعی دارد ارزش‌های متفاوتی در گفتمان ضدلیبرالی مجسم کند. ارزش‌های متفاوت در گفتمان مخالف عبارت‌اند از: سیاست انبساطی، دولت رفاه، گسترش خدمات عمومی، امنیت شغلی و اشتغال کامل، تنظیم و کنترل بازار سرمایه. نویسنده با بیان این ارزش‌های متفاوت هدف افق‌داری دارد، به این معنی که خواننده را به سمت ارزش‌های بیانی خود جلب می‌کند. ارزش رابطه‌ای خاصی در این متن به چشم نیامد.

ب) ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند؟

در این قسمت از سطح تحلیل متن در بیان ارزش‌های تجربی گرامری بر سه سؤال زیر و پاسخ به آن تمرکز می‌کنیم: ۱- آیا کنشگری نامشخص است؟ ۲- آیا جملات معلوم هستند یا مجهول؟ ۳- نحوه استفاده از ما و شما یا ما و آنها چگونه است؟

فرکلاف معتقد است در پرده ابهام پیچاندن کنش‌گری می‌تواند انگیزه ایدئولوژیک داشته باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۹). عبارت «آنها از حمایت ارتشی از متفکران و پژوهشگران مستقل برخوردارند. اکثر مقالات منتشر شده از سوی کارشناسان مستقل در واقع به صورت زیرکانه‌ای از منافع گروه‌های قدرتمند و ذی نفوذ حمایت می‌کنند.» نه فاعل دقیقاً مشخص است و نه مفعول. به عبارت دیگر نویسنده با عبارت کلی و انتزاعی اکثر مقالات منتشر شده، سعی دارد پژوهش‌های زیادی که مؤلفه‌ها و استراتژی‌های گفتمان نئولیبرال را در رشد اقتصادی و فائق آمدن بر بحران‌ها کارآمد و راهگشا می‌دانند زیر سؤال ببرد و چنین تحقیقاتی را دور از واقع و در خدمت ثروتمندان قلمداد کند. نمونه دیگر را می‌توان در همان جملات آغازین متن یافت. عبارت: پارادایم مسلط در ۳۰ سال گذشته که . . . با دنیای واقعی فاصله زیادی دارد، را بر همین اساس می‌توان تحلیل کرد. استفاده از فاعل و مفعول غیر جاندار در اینجا برای تحت تأثیر قراردادن مخاطب است. نویسنده سعی دارد با این جمله انتزاعی و کلی که فاعل و مفعول

مشخص و واضحی ندارد خواننده را به سمت گفتمان خود ترغیب کند. در این متن به مجموعه‌ای از گزاره‌های درست و غلط که در ورای متن پنهان هستند و مبتنی بر دو قطب ما و آنها شکل گرفته‌اند اشاره شده است. نویسنده شکل‌گیری بحران اقتصادی و اجتماعی، فشار بر اتحادیه‌های کارگری، بی‌کاری، کاهش درآمد خانواده‌ها و خطر از دست رفتن انسجام اجتماعی با رقابت پوچ‌گرایانه را به آنها (گفتمان نولیبرال) نسبت می‌دهد که در مجموع گزاره‌هایی هستند که از عملی کردن استراتژی‌های نادرست آنها به وجود آمده‌اند. در مقابل، ما (گفتمان ضد) قرار دارد که دال‌های اصلی آن عبارت‌اند از: اشتغال کامل، امنیت شغلی، همکاری، بهادادن به مذاکرات دسته‌جمعی و... که با به زیر کشیده شدن آنها (گفتمان نولیبرال) محقق می‌شود. وعده تحقق این گزاره‌های مطلوب را به وسیله ما (گفتمان ضد نولیبرال) را در آخر متن می‌بینیم. در شرایط کنونی، بدیهی فرض شده است که شرط رسیدن به جامعه‌ای عادلانه بازنگری در استراتژی و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حاکم و تدوین چشم‌اندازی است که مبتنی بر واقعیت باشد و نویسنده همه اینها را به ما پنهان نسبت می‌دهد. بنابراین تحلیل فوق نشان می‌دهد که با استفاده از بررسی ویژگی‌های دستوری و تحلیل متن و واژگان می‌توان به توصیفی از یک رخداد ارتباطی دست یافت.

در الگوی سه مرحله‌ای تحلیل گفتمان فرکلاف «توصیف پیش‌فرض تفسیر و تبیین قرار دارد» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۹). همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره کردیم در توصیف به ویژگی‌های صوری متن که دارای ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند پرداخته می‌شود. اما تنها از طریق ویژگی‌های صوری متن نمی‌توان به تحلیل کامل متن و ساختارهای اجتماعی دست یافت. در این مقاله با توجه به مسئله و سؤال تحقیق و همچنین اجتناب از حجیم شدن مقاله، از تحلیل بیشتر بعد توصیف خودداری کرده، به ابعاد تفسیر و تبیین می‌پردازیم.

مرحله تفسیر (نظم گفتمان و میان‌گفتمانی)

فرکلاف از واژه تفسیر برای نامیدن یک مرحله از مراحل تحلیل گفتمان انتقادی استفاده کرده است. «مرحله تفسیر هم فرایندهای مشارکین گفتمان و هم تفسیر متن را شامل می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). فرکلاف در مرحله تفسیر به دنبال بیان این مطلب است که مفسرین چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر نوع گفتمان مربوطه را مشخص

می‌کند. به‌طور کلی، فرکلاف در مرحله تفسیر به بافت موقعیتی و نوع گفتمان و نظم گفتمانی اشاره می‌کند (شکل شماره ۲).

در این مرحله فرکلاف ۴ سؤال اساس مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: **ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آنها چیست؟ و نقش زبان در این خصوص چیست؟** (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

ماجرا چیست؟ ماجرای اصلی در رخداد ارتباطی انتخاب شده تخصیص و تضاد گفتمان‌ها بر سر عوامل ایجادکننده بحران اقتصادی و اجتماعی این روزهاست.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ در این مقاله دو بافت موقعیتی وجود دارد که دو مشارکت‌کننده عمده دارد. در یک طرف نویسنده و گفتمان ضد نولیبرال و در طرف دیگر گفتمان نولیبرال قرار دارد که در این نمونه نویسنده که در گفتمان ضد نولیبرال قرار دارد به عنوان گوینده و گفتمان نولیبرال در مقام مخاطب و متهم قرار دارد.

روابط میان آنها چیست؟ در این مرحله، روابط و مناسبات قدرت و فاصله اجتماعی و دیگر مواردی که در موقعیت مورد نظر تعیین و تثبیت شده‌اند، مطرح می‌شود. برای مثال گفتمان نولیبرال به عنوان پارادایم مسلط در ۳۰ سال گذشته که دارای قدرت سیاسی و کارشناسی بوده مطرح می‌شود و فاصله زیادی با واقعیت دارد و از نظر نویسنده باید از قدرت به زیر کشیده شود و گفتمان دیگری به جای آن قرار گیرد.

نقش زبان چیست؟ فرکلاف معتقد است از زبان به صورت ابزاری در جهت تحقق بخشی یک هدف گفتمان یا نهادی و اداری گسترده استفاده می‌شود. در این‌جا از زبان در قالب مقاله روزنامه برای متهم کردن و مجرم شناختن گفتمان نولیبرال در شکل دادن به بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر استفاده شده است.

به اعتقاد فرکلاف در بعد تفسیر، علاوه بر موضوعات فوق، نظم گفتمان و میان گفتمانی که یک جنبه از نظم اجتماعی است اهمیت دارد حائز اهمیت دارد. بر این اساس در بعد تفسیر تأکید این پژوهش بر نظم گفتمان و میان گفتمانی استوار است.

همان‌گونه که بیان کردیم در نظم گفتمانی مرکز توجه به گفتمان‌های مختلفی است که در یک قلمرو بر سر تثبیت معنا در تخصیص و تضاد هستند. به عبارتی در تحلیل نظم گفتمانی هدف آن است که استراتژی‌ها، مفصل بندی‌ها و چگونگی توزیع گفتمان‌ها در یک یا چند متن مورد

بررسی قرار گیرد. در مت فوق نیز آنچه که در وهله نخست به چشم می‌خورد، زیر سؤال بردن یک گفتمان، استراتژی‌های آن و سوق دادن مخاطبین به گفتمان دیگر است.

نظم گفتمانی

نویسنده معتقد است مغلوب شدن گفتمان نئولیبرال در برقراری یک نظام اقتصادی و اجتماعی منصفانه باعث باز شدن فضا برای گفتمانی تازه یا ساختاربنندی مجدد گفتمانی دیگر است که پیامد و نتیجه گفتمان جدید، در بعد داخلی هر کشوری توجه بیشتر به اقشار فرودست جامعه و در بعد خارجی، برقراری نظامی اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر تعاون و همکاری است. در ابتدا لازم است مؤلفه‌ها و استراتژی‌های دو گفتمان موجود در متن را شناسایی و بررسی کنیم.

نخست گفتمان نئولیبرال است که استراتژی و مرلفه‌های آن عبارت‌اند از:

۱- افراطی‌گری در بازار سرمایه که مؤلف آن‌را به سلاح کشتار جمعی تشبیه کرده است، از مهم‌ترین استراتژی‌های گفتمان نئولیبرال است. به‌زعم مؤلف این استراتژی را می‌توان با عبارت قلعه عظیمی از پول مجازی توضیح داد. نویسنده که خود از گفتمان ضد نئولیبرال طرفداری می‌کند، این حجیم شدن و فربه شدن بازار سرمایه و پول مجازی را عامل اصلی شکل‌گیری بحران اقتصادی اجتماعی سال‌های اخیر می‌داند.

۲- مؤلفه دیگر گفتمان مسلط که به‌ویژه در بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر، پررنگ شده است، استحکام بودجه یا همان استراتژی کاهش بودجه دولت است. این استراتژی که سیاستمداران و دولتمردان کشورها تحت تأثیر گفتمان نئولیبرال دنبال می‌کنند، از نظر نویسنده استراتژی غیر منصفانه‌ای است که دارای اثرات نامطلوب اجتماعی است، از جمله خطر از میان رفتن انسجام اجتماعی، کاهش قدرت خرید مردم، کساد بلندمدت، کاهش بودجه بهداشت و درمان، کاهش درآمد دوران بازنشستگی، کاهش اشتغال و بالاخره از میان رفتن دولت رفاه.

۳- استراتژی دیگر گفتمان نئولیبرال در این متن، رقابت است. به زعم نویسنده گفتمان نئولیبرال در وضعیت کنونی (بحران اقتصادی و اجتماعی) باز هم بر استراتژی رقابت تأکید دارد. از نظر متن استراتژی رقابت به معنای آن است که کشورها و شرکت‌ها تلاش ورزند تا با ایجاد جنگ قیمت‌ها، سهم خود را در بازارهای صادراتی افزایش دهند. نویسنده پیامدهای اجتماعی این اصل را مخرب و زیانبار توصیف می‌کند. کاهش شدید مزد، کاهش مالیات بر درآمد، افزایش مالیات بر مصرف و از دست رفتن توازن در اقتصاد جهانی از جمله این پیامدهاست.

چراکه در استراتژی رقابت تأکید بر افزایش مازاد تجاری و صادرات است که برای یک کشور مزیت محسوب می‌شود. قطعاً تمامی کشورها نمی‌توانند مازاد تجاری داشته باشند و مازاد تجاری یک کشور معادل کسری تجاری کشور دیگر است. بنابراین این استراتژی، نابرابری در میان کشورها و در نتیجه فقیر شدن برخی کشورها و ثروتمند شدن عدّه دیگر را به دنبال دارد. این در حالی است که از نظر نویسندگان صاحب‌نظران و سیاستمداران این گفتمان از پذیرش مسئولیت بروز بحران سرباز می‌زنند.

۴- مؤلف استراتژی‌های دیگر گفتمان نولیبرال را چنین برمی‌شمرد: انعطاف‌پذیری در بازار کار، کاهش مالیات‌ها، کاستن از هزینه‌های دولت، آزادسازی بازار سرمایه. نویسندگان با تعجب می‌نویسد که با وجود این همه اتفاقات و حوادث اقتصادی و اجتماعی اخیر، هنوز صاحب‌نظران و دولتمردان از چنین گزینه‌ها و استراتژی‌هایی حمایت می‌کنند، درحالی‌که این استراتژی‌ها به اعتقاد نویسندگان به بحرانی منجر شده است که مردم زحمتکش با تحمل بیکاری بیشتر و مزد کمتر و افزایش مالیات بر مصرف باید هزینه‌های آن را بپردازند.

استراتژی‌های گفتمان متخاصم: نویسندگان سعی دارد استراتژی گفتمان ضد نولیبرال را به سمت و سوی بحث‌های اجتماعی بکشاند و منازعه را به نفع خود تمام کند. این استراتژی‌ها عبارت‌اند از: افزایش دستمزدها و گسترش تأمین اجتماعی، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد و امنیت شغلی.

میان‌گفتمانی: نکته حائز اهمیت دیگر در این بخش این است که نویسندگان از چه متن میان‌گفتمانی در درون دو گفتمان اصلی استفاده کرده است. به عبارتی، درون دو گفتمان اصلی متن، چه گفتمان‌های مختلفی مفصل‌بندی شده و این مفصل‌بندی و میان‌گفتمانی چگونه خواننده و واقعیت را بازنمایی می‌کند. گفتمان بورس که سازنده هویت سرمایه‌دار است در درون گفتمان نولیبرال قرار داده است. برای مثال، این گفتمان ویژگی‌هایی مانند محل تجمع سرمایه‌ثروتمندان، محل تشکیل حباب، محل توزیع نابرابر دارایی‌ها و درنهایت محل و مسبب اصلی شروع بحران دارد. این عبارات به نحو فعالی یک هویت برای گفتمان بورس می‌سازد. ویژگی این هویت، ضدیت با فقرا و کارگران است که براساس آن برای مهار بحران‌ها و کنترل این هویت باید آن‌را از طریق تدوین مقررات بیشتر تحت کنترل درآورد. گفتمان یا میان‌گفتمانی دیگری که در درون گفتمان نولیبرال قرار دارد، گفتمان متفکران یا کارشناسان مستقل است. به این ترتیب که از نگاه متن، گفتمان نولیبرال با هویت علمی خود اعمال اقتدار می‌کند و برای شکل دادن به این هویت

با پول و ثروت، کارشناسان و متفکران را به خدمت می‌گیرد. متن گفتمان غیر واقع‌گرا را به گفتمان نولیبرال نسبت می‌دهد. بر این اساس متن ادعای معرفتی مشخصی را در قالب واقعیت که غیر قابل‌خنده است، مطرح می‌کند. جمله پارادایم مسلط در ۳۰ سال گذشته که به کاهش درآمد کارگران، تشدید نابرابری، عدم توازن ملی، افزایش بدهی خانوارها و... شده است، با دنیای واقعی فاصله زیادی دارد، ناظر به همین موضوع است. در جای دیگر متن نیز، چنین ادعایی وجود دارد که متن غیر واقع‌گرا بودن را به گفتمان نولیبرال نسبت می‌دهد. جمله نسخه-هایی که گفتمان نولیبرال تجویز می‌کند، مانند ایجاد انعطاف‌پذیری در بازار کار، کاهش مالیات‌ها و... گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است، مدعای همین مطلب است.

عناصر دیگری که در این میان گفتمانیّت در متن حضور دارند در قالب جدول شماره ۱ بیان شده است.

جدول شماره ۱: انواع گفتمان‌های موجود در متن

گفتمان‌های اصلی	میان گفتمانیّت	عبارات تأییدی
گفتمان نولیبرال	گفتمان رقابت	مازاد تجاری، صادرات بیشتر، پرداخت یارانه به صادرات، پائین آوردن ارزش پول ملی، کاهش مالیات بر درآمد
	ضد مذاکرات دسته جمعی	تشکل‌های کارگری در شرایط کنونی با چالش‌های بزرگی مواجه هستند.
	ضد رفاه	فعالیت‌های دولتی و در کل دولت رفاه هدف اصلی طرح استحکام بودجه قرار گرفته است.
	حامی سیاست‌های انقباضی	سیاست کاستن از هزینه‌های عمومی، استحکام بودجه
	مقررات زدایی	اعمال حداقل مقررات و آزاد سازی بازار سرمایه
گفتمان ضد نولیبرال	گفتمان تعاون و همکاری	حمایت از استراتژی ایجاد فضای همکاری و تعاون
	گفتمان حامی تشکلهای	تحقق اهدافی همچون ... و گسترش مذاکرات دسته جمعی
	حامی رفاه	گسترش چتر حمایتی تأمین اجتماعی
	حامی سیاست‌های انبساطی	ایجاد فضایی برای افزایش مصرف خانوار و حذف مالیات بر مصرف
	تدوین مقررات بیشتر	کنترل ماهیت سوداگرانه بازارها

مرحله تبیین

فرکلاف در تبیین، به دنبال بیان شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی است که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند. «درحالی‌که تفسیر چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). به عبارت دیگر، هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. فرکلاف در توضیح مرحله تبیین می‌نویسد «تبیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). منظور فرکلاف از ساختارهای اجتماعی شکل‌دهنده گفتمان، مناسبات قدرت است و هدف از فرایندهای اجتماعی به مبارزات اجتماعی مربوط است. به‌طور کلی در تبیین محقق، گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در مناسبات قدرت می‌بیند. فرکلاف در مرحله تبیین اضافه می‌کند که «تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده گفتمان می‌بایست در سه سطح اجتماعی، نهادی و موقعیتی تحقیق و بررسی شوند. بر این اساس ما دو گفتمان اصلی متن را در سطوح نهادی و اجتماعی و در چارچوب دو سؤال زیر بررسی خواهیم کرد.

- این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی تعلق دارند؟

- این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت که چارچوب نهادی این متن که شامل دو گفتمان اصلی، یعنی نئولیبرال و گفتمان ضد آن است، نسبتاً پیچیده و گسترده است. چراکه اقتصاد، سیاست و جامعه در هم تنیده و هر کدام دارای نهادهای متعددی هستند. به عبارت دیگر جان مایه این متن که بیان عوامل شکل‌گیری بحران، نتایج و راه‌حل‌های متصور در قالب دو گفتمان و نظریه اجتماعی است، محل تقاطع نهادهای متعددی است که هر کدام در این ماجرا نقش دارند. نهاد علمی و پژوهشی، بورس، شرکت‌ها، اتحادیه‌های کارگری، نظام مالیات. بررسی مسیری که نویسنده در میان مرزهای نهادی طی کرده است تا یک گفتمان را از قدرت به زیر بکشد، مسئله مهم و قابل تأملی است. فرایندهای نهادی که به‌نحوی هر دو گفتمان به آنها تعلق دارد و

به نحوی منازعه برانگیز است، نهاد دانش است. منظور منازعه‌ای است که بین شرکت‌های خصوصی و دانشگاه‌های دولتی برای تولید دانش در زمینه اقتصاد وجود دارد. به عبارتی نویسنده معتقد است، شرکت‌های خصوصی که در اثر حاکمیت گفتمان نولیبرال قدرت گرفته‌اند برای توجیه علمی استراتژی‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان تولید دانش را خصوصی کرده و از کارشناسان علمی به اصطلاح مستقل در جهت تأمین منافع گروه‌های خاص استفاده کرده‌اند. در مقابل دانشگاه‌های دولتی هستند که به جهت مشکلات مالی قادر نیستند دانش اقتصادی و اجتماعی ضد گفتمان نولیبرال را تولید کنند. در اینجا نویسنده معتقد است حجم دانش تولیدشده به نفع گفتمان مسلط ۳۰ سال گذشته (نولیبرال) در قوت و قدرت آن در برقراری نظم اقتصادی و اجتماعی نیست بلکه حاکی از رابطه قدرت و دانش است.

گفتمان ضد نولیبرال به دنبال بیان همبستگی میان خود و مردم طبقات غیر سرمایه‌دار است و این کار را از طریق برقراری رابطه میان گفتمان نولیبرال و مشکلات اقتصادی و اجتماعی عموم مردم دنبال می‌کند. از این حیث می‌توان گفت که نویسنده در خصوص برقراری این روابط به لحاظ ایدئولوژیک تعیین‌کننده است. اثرگذاری ایدئولوژیک نویسنده (گفتمان ضد نولیبرال) ناشی از خلاقیتی است که به خرج داده و ترکیب‌بندی تازه‌ای از دو گفتمان ارائه کرده است، به نحوی که عموم مردم با گفتمان ضد نولیبرال همراه می‌شوند. متن با ارتباط میان استراتژی‌هایی چون شرکت در مسابقه به سوی قهقرا، کاهش بودجه خدمات عمومی (بهداشت و درمان و آموزش) تضعیف اتحادیه‌های کارگری، بیکاری گسترده، مزد کمتر مردم زحمتکش، نابرابری در توزیع درآمد، تضعیف انسجام اجتماعی و گفتمان نولیبرال موجب تحکیم گفتمان ضد آن که نویسنده حامی آن است، می‌شود. اما اینکه گفتمان ضد نولیبرال تا چه حد می‌تواند ویژگی‌هایی که ادعا می‌کند همچون امنیت شغلی و اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد، گسترش خدمات عمومی و... را محقق سازد، محل بحث است. در خصوص هویت اجتماعی مردم، نویسنده توانسته است در این رخداد ارتباطی شالوده اجتماعی برای مردم با اشتغال و رفاه کامل که از آن طرفداری می‌کند، بنا سازد.

پاسخ به پرسش دوم؛ این دو گفتمان بخشی از فرایند اجتماعی است. یعنی منازعه میان گروه سرمایه‌دار و طبقه کارگر یا تضاد میان فرادستان و فرودستان جامعه. مناسبات سرمایه‌داری در جامعه امروز، قدرت مسلط (سرمایه‌دار و دولت) بر سایر گروه‌های اجتماعی اعمال سلطه سیاسی و اقتصادی می‌کند. در نتیجه رابطه میان قدرتمندان و فرادستان با عموم مردم از نوع

مناسبات سلطه‌گرایانه و اقتدارآمیز است. در این میان که بحران اقتصادی و اجتماعی حاکم شده است شاهد اعتراض‌های شدید گروه‌های رنج‌دیده و کم درآمد برای تعقیب خواسته‌های خود در درون مناسبات سرمایه‌داری هستیم. در بحران سال ۲۰۰۸، بیشتر متفکران، کارشناسان و سیاستمداران آن‌را امری زودگذر که با تنظیم بهتر بازار یا کاهش دخالت دولت رفع می‌شود، قلمداد کردند حال که دوباره بحران اقتصادی و اجتماعی در درون کشورهای سرمایه‌داری ظاهر شده است ما با مسئله‌ای مهم که ریشه در ساختارها و فرایندهای اجتماعی نظام سرمایه‌داری دارد، مواجه هستیم. مشکلات ریشه‌دار و ساختاری باعث سرخوردگی قشر عظیمی از مردم شده است. همه این مردم نگران و عصبانی از آینده اقتصادی و اجتماعی خود و نزدیکانشان هستند. این افراد اعتقاد دارند که حرص و طمع سرمایه‌داران، بانکداران و صاحبان سهام در بازار کسب و کار از جمله بازار مالی، بحرانی را به وجود آورده است که مردم را بدون یار و یاور رها کرده است. سیاستمداران نیز به جای آنکه نگران مردم جامعه باشند، دلواپس کسری بودجه و بدهی-هایشان هستند که در این میان سیاست استحکام بودجه را در پیش می‌گیرد و کم‌درآمدان و کارگران بیشترین درد و رنج را متحمل می‌شوند. حال باید ببینیم که نظریه اجتماعی‌ای که مدافعان بازار از آن حمایت می‌کنند و تحت عنوان گفتمان نولیبرال مطرح شده است چه پاسخی به این واقعیت دارد؟ به‌طور اطمینان این نظریه اجتماعی بنا به فلسفه وجودی‌اش در وهله اول دولت را مقصر می‌داند که با دخالت در بازار، این اختلال و بحران را رقم زده است. این در حالی است که نظریه اجتماعی مخالف بر این اعتقاد است که دولت در بحران‌های اخیر از مالیات عموم مردم، بازار سرمایه را نجات داده است و از خدمات عمومی و هزینه‌های بخش بهداشت و درمان کاسته است. نظریه اجتماعی بازار برای حل این بحران، همان‌گونه که در متن به صراحت وجود دارد، خواهان مقررات‌زدایی بیشتر و فراهم آوردن زمینه مطلوب و انگیزه برای گروه سرمایه‌دار برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه تولید درآمد و اشتغال است و گرچه بحران ادامه می‌یابد. در اینجا هم نظریه اجتماعی بازار و مخالفین آن انگشت اتهام را متوجه دولت می‌کنند. نظریه اجتماعی بازار دولت را به دلیل اختلال در بازار از طریق تنظیم مقررات و افزایش هزینه جاری که در نهایت منجر به کسری بودجه می‌شود و نظریه اجتماعی دولت را به دلیل پیوند با گروه سرمایه‌دار و در پیش گرفتن استراتژی استحکام بودجه به جای مالیات‌گیری از سرمایه‌دار مورد نقد قرار می‌دهند. جهان واقعی در کش و قوس دو نظریه اجتماعی قرار دارد

و در این میان نمی‌دانیم که از مالیات سرمایه‌داران بکاهیم یا بر آن بیفزاییم. برای تحت پوشش قرار دادن کسری بودجه، دولت بیشتر استقراض کند یا با ریاضت مالی، بدهی‌هایش را پرداخت کند. نظریه اجتماعی بازار کسب سودهای مفرط سرمایه‌گذار از طریق قدرت خصوصی زیاده از حد را لازمه رشد اقتصادی و رفاه جامعه می‌داند. این در حالی است که خطرات مهم و ناملایمات زندگی برای قشر عظیمی از مردم و تضمین امنیت معیشت هدف مشخص جوامع سرمایه‌داری نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

با کمک نظریه فرکلاف می‌توان پرکتیس‌های گفتمانی و نظریه‌های کلان اجتماعی را که در تولید متن نقش دارند شناسایی کرد و به آگاهی زبانی انتقادی دست یافت. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف) با فراهم کردن تحلیل دقیق و مفصل متن تولید شده به ما نشان می‌دهد که چگونه یک رخداد ارتباطی (مقاله روزنامه) در خدمت گفتمان حاکم یا ضد آن قرار می‌گیرد. در حقیقت هر متنی از جمله متن مورد پژوهش این مقاله تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف و متضاد، ساختار اجتماعی حاکم بر جامعه را بازتاب می‌کند. بر این اساس متن از هر نوعی که باشد در دایره قدرت برای حفظ نظم موجود یا واژگونی آن تولید می‌شود. به این ترتیب است که باید متن را در ساختار اجتماعی وسیع‌تر قرار داد و نشان داد که متون برای تولید و برجسته کردن چه گفتمان و برای به حاشیه راندن چه گفتمان‌های دیگری تولید شده‌اند.

در این پژوهش سعی کردیم نشان دهیم افراد زمانی که یک متن را در قلمروی مشخصی مانند بحران اقتصادی و اجتماعی اخیر، مصرف می‌کنند باید از پرکتیس‌های گفتمانی در متن، ساختارهای اجتماعی که این گفتمان‌ها به وسیله آنها شکل گرفته‌اند و در شکل دادن به آنها شرکت دارند، شناخت کسب کنند.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *مجله زبان و زبان شناسی*، شماره ۵: ۳۹-۵۴.
- آقاگل زاده، فردوس؛ ارجمندی، معصومه؛ گلغام، ارسلان و کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۹)، «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده خواهران اثر جیمز جویس»، *مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۳: ۱-۲۴.
- بورو، شاران (۱۳۹۰)، «نگاه به ایده‌هایی که بحران را به اقتصاد جهان تزریق کرد: شاخص‌های افراطی، اقتصاد قمارخانه‌ای»، ترجمه زهرا کریمی موعاری، روزنامه شرق، چهارشنبه ۶ مهر سال نهم شماره ۱۳۵۴.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۷)، *درس‌هایی درباره‌ی ایستادگی در برابر نئولیبرالیسم*، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران: اختران.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان: سازو کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام‌پور، رضا ذوقدرا مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی، محمد جواد غلامرضا کاشی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- میلز، سارا (۱۳۸۸) *گفتمان*، ترجمه فتح محمدی، تهران: نشر هزاره سوم.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، *نئولیبرالیسم: تاریخ مختصر*، ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: اختران.
- یورگنسن، ماریان، فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- Fairclough, N (1992)b, **Discourse and Social Change**, London: Polity Press.
- Fairclough, N (2002)a, "Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse", in Toolan, M, **Critical Discourse Analysis**, vol.2, London: Routledge, 69-103
- Fairclough, N (1993) **Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse**, the universities discourse and society.
- Chouliaraki L, and Fairclough N. (1999) **Discourse in Lat Modernity: Rethinking Critical Discourse Analysis**, Edinburgh: University Press.

پی نوشت

- «انگلیس و زخم‌های التیام نیافته»، روزنامه اطلاعات، ۲/ ۵/ ۱۳۹۰.
- «ریشه‌های تئوریک بحران مالی»، دنیای اقتصاد، ۱۱/ ۸/ ۱۹۰۳.
- «تسخیر وال استریت پیش به سوی دموکراسی واقعی»، روزنامه اقتصاد، ۲۸/ ۷/ ۱۳۹۰.
- چالش‌های امروز اقتصاد آزاد»، روزنامه اقتصاد، ۲۶/ ۷/ ۱۳۹۰.
- «تقریب مکاتب در جنبش وال استریت»، روزنامه اقتصاد، ۲۳/ ۷/ ۱۳۹۰.
- «شورش‌های لندن و زمینه‌های آن»، روزنامه شرق، ۲/ ۶/ ۱۳۹۰.
- «درباره چند اسطوره: نظم، اطلاعات آزاد، حقوق بشر: بار دیگر شورش»، روزنامه شرق، ۲/ ۶/ ۱۳۹۰.
- «قطار تاریخ در وال استریت»، روزنامه شرق، ۲۳/ ۷/ ۱۳۹۰.
- «تحولات کنونی اروپا دود آتش ۶۳ سال پیش است»، روزنامه قدس، ۷/ ۶/ ۱۳۹۰.